



امنیت اجتماعی

از منظر امیرالمؤمنین امام علی (ع)

■ کریم دولتی

عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی

kdownlati@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

چکیده

خدای متعال، انسان را موجودی اجتماعی آفریده که نه تنها برای برطرف ساختن نیازهای مادی و ظاهری اش به دیگر افراد بشر نیازمند است، بلکه در برآورده شدن نیازهای معنوی اش نیز به دیگران احتیاج دارد. یکی از مسائل مهمی که سبب برقراری محیطی آرام می شود تا انسان به خواسته های دست یابد، وجود امنیت است. «امنیت» سنگ زیربنای حیات فردی و اجتماعی است و پیش شرط هرگونه توسعه، رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی محسوب می شود. شرط ضروری عدالت، برقراری رفاه، توسعه و رشد شاخصهای اصلی زندگی و بسیاری از مقوله های دیگر، همه و همه مبتنی بر امنیت است. از یک سو «امنیت» از بسیاری از عرصه های زندگی بشر تأثیر می پذیرد و از سوی دیگر، بر تعدادی از آنها اثرگذار است. اقتصاد، فرهنگ و سیاست از جمله این عناوین محسوب می شود. به تعبیر دیگر باید گفت امنیت، تأثیر و تأثر متقابل با بسیاری از عوامل و شرایط دارد و همین نکته، یکی از ابعاد ویژه اش را نشان می دهد. در این مقاله، موضوع «امنیت» از منظر امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته است که علاوه بر ضرورت و انواع آن - به خصوص در مقوله امنیت اجتماعی - به برخی ابعاد و مسائل مرتبط با آن و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می شود و در نهایت، امنیت معنوی غایی انسان، رسیدن به بهشت امن معرفی می گردد.

کلیدواژه ها: امام علی (ع)، نهج البلاغه، امنیت، اقسام امنیت، امنیت اجتماعی.



امنیت در لغت

ریشه «امن» معانی مختلفی دارد. ابن منظور درباره آن چنین می‌نویسد: امن مخالف ترس است. امانت ضد خیانت آمده است. ایمان متضاد کفر و همچنین به معنای راست پنداشتن یا ضد دروغ انگاشتن نیز می‌باشد.^۱ راغب اصفهانی اصل کلمه امن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس دانسته است.^۲ در کتب لغت معاصر آمده است: «کلمات امن، امان، امانت، امن، امن، ائمه مصادر فعل «امن» هستند به معنای آرامش یافت و نترسید».^۳ کلمه «امنیت» مصدر صناعی از ریشه «امن» است و دارای دو جنبه ایجابی و سلبی می‌باشد: در جنبه ایجابی، ایجاد اطمینان و آرامش در آن ملحوظ است و در جنبه سلبی، نفی ترس و ناآرامی در آن وجود دارد. کنار هم قرار گرفتن این دو جنبه، مفهوم امنیت را تکمیل می‌کند و به همین دلیل هم می‌توان امنیت را مفهومی نسبی دانست. اینکه آرامش یا ترس به چه عوامل و عناوینی وابسته باشد، مفهوم آن را در شرایط زمانی و مکانی مختلف تغییر می‌دهد.

ضرورت و ارزش امنیت

امنیت با تمام جلوه‌ها و انواعش، از ضروریات و لوازم زندگی فردی و حیات اجتماعی انسان است. تصور زندگی مطلوب بشری بدون امنیت ممکن نیست. همان‌گونه که امنیت برای حیات بشر ضروری است، نبود آن نیز خلأ بزرگ و عمیقی در زندگی انسان محسوب می‌شود.

یکی از مسائل مهم در این باره، جایگاه و نقش متقابل حکومت و امنیت است. امنیت یکی از شئون اصلی و بلکه انتظار نخست انسانها از حکومتهاست. زمانی که خوارج از عبارت «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ»^۴ شعار «لا حکم الا لله» را برگرفته، قصد خروج از حکومت اسلامی علوی و از این شعار صحیح، برداشت ناصوابی داشتند و هر حکومتی غیر از حکومت مستقیم الهی را نفی می‌کردند، آن حضرت در جملاتی کوتاه اما دقیق، جایگاه حکومت را تشریح می‌فرمایند و به عنوان یکی از وظایف اصلی حکومت، برقراری امنیت و آرامش مردم را برمی‌شمرند: «سخن حقی است که از آن اراده باطل شد! آری درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست؛ ولی ایشان می‌گویند: زمامداری، جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و

کافران بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان، و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند».^۵

از دیگر سو، حکومتی که نتواند امنیت کافی را برای مردم تحت پوشش خود تأمین کند، به شکست و نابودی محکوم است و دیری نخواهد پایید که اساس آن منهدم خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «دو نعمت هستند که قدرشان شناخته شده نیست: امنیت و سلامت».^۶

انواع امنیت

امنیت جلوه‌های گوناگون و انواع مختلفی دارد. امنیت ممکن است فردی یا مربوط به جامعه باشد. همچنین امنیت می‌تواند جزئی یا کلی باشد. هر یک از انواع امنیت، از دامنه‌ای برخوردارند، خواه اندک باشد یا گسترده. هر یک از انواع امنیت، به میزان گسترش نقشی در سلامت، هدایت، استحکام و اعتلای فرد یا جامعه پیدا می‌کنند.

مهم‌ترین انواع امنیت فردی و اجتماعی را که از فرمایشات امیرالمؤمنین (ع) استخراج شده است، می‌توان چنین برشمرد: امنیت خانوادگی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت قضائی، امنیت مرزی و دفاعی و امنیت معنوی. در ادامه به توضیح مختصر هر یک از انواع یاد شده از منظر آن حضرت پرداخته خواهد شد و در حد گذرا و متناسب با رویکرد مقاله، اثرات هر یک از انواع، اشاره خواهد شد.

۱) امنیت خانوادگی

خانواده اساس تشکیل جامعه و یکی از ارکان پایه‌ای آن است. در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با همین عنایت، آمده است: «از آنجا که خانواده، واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». هر فرد بدون تعلق به خانواده، هویت روشن و مشخصی در جامعه ندارد.

سلامت و امنیت خانواده نه تنها برای اعضای آن، بلکه برای امنیت جامعه ضروری و حیاتی است. بدون توجه به سلامت خانواده، نمی‌توان انتظار جامعه‌ای سالم و ایمن داشت. خانواده

۱. نک: لسان العرب، ج ۱، صص ۲۲۳-۲۲۸.

۲. نک: مفردات الفاظ القرآن، صص ۲۵ و ۲۶.

۳. المعجم الوسیط، ص ۲۸.

۴. انعام، ۵۷؛ یوسف، ۴۰ و ۶۷.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۶. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۷۰.

برای تمام اعضای خود به امنیت نیازمند است. یکی از شئون مهم امنیت اعضای خانواده، وجود امنیت یکایک اعضا نسبت به یکدیگر است. این امنیت، صرفاً با آسیب نرسیدن از جانب دیگر اعضا به وجود نمی‌آید، بلکه شامل حمایت، پشتیبانی، همکاری و رعایت حقوق متقابل ایشان است.

امام علی (ع) با ترسیم حقوق و وظایف متقابل اعضای خانواده، خانواده ایمن را چنین ترسیم می‌فرماید:

در یک جا وظیفه زن در قبال شوهر را چنین بیان می‌کند: «نماز موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست ... و جهاد زن، نیکو شوهرداری است».^۷

در جای دیگر حق متقابل پدر و فرزند را چنین برمی‌شمارد: «همانا فرزند را بر پدر، و پدر را بر فرزند حقی است: حق پدر بر فرزند این است که فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا از پدر اطاعت کند. و حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد؛ خوب تربیتش کند؛ و او را قرآن بیاموزد».^۸

همچنین رابطه پدر و فرزند را این‌گونه نزدیک و عاطفی نشان می‌دهند: «و تو را دیدم که پاره تنم، بلکه همه جان منی، آن‌گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برایت نوشتم، تا تو را در سختیهای زندگی رهنمون باشد، حال من زنده باشم یا نباشم».^۹

بدیهی است چنین نگرشی نسبت به رابطه بین اعضای خانواده، می‌تواند متضمن امنیت و سلامت کامل آن باشد و متعاقب آن برای امنیت جامعه مفید باشد.

۲) امنیت فرهنگی

فرهنگ یکی از مقوله‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان است که امنیت آن، تأثیر قابل توجهی بر مقوله‌های دیگر امنیت دارد. فرهنگ هر جامعه دارای ویژگیهای مثبت و منفی است. برای برقراری امنیت فرهنگی لازم است ویژگیهای مثبت، تقویت و گسترش یابند و عوامل منفی، حذف شوند یا حداقل کاهش پیدا کنند.

هر جامعه‌ای نسبت به امنیت فرهنگی‌اش توجه خاصی دارد. همچنین باید از فرهنگ جامعه در مقابل تهاجم فرهنگهای مخرب دفاع نمود و در این مسیر، پایبندی به اصول پذیرفته شده فرهنگی لازم است.

امام علی (ع) در بخشی از فرمایشات خود چنین فرموده‌اند: «عمل صالح! عمل صالح! سپس آینده‌نگری! آینده‌نگری! و استقامت! استقامت! آن‌گاه بردباری! بردباری! و پرهیزکاری!

۷. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

۸. همان، حکمت ۳۹۹.

۹. همان، نامه ۳۱.

پرهیزکاری! برای هرکدام از شما عاقبت و پایان مهلتی تعیین شده، با نیکوکاری به آنجا برسید. همانا پرچم هدایتی برای شما برافراشتند، با آن هدایت شوید، و برای اسلام نیز هدف و نتیجه‌ای است، به آن دسترسی پیدا کنید، و با انجام واجبات، حقوق الهی را ادا کنید که وظایف شما را آشکارا بیان کرده و من گواه اعمالتان بوده و در روز قیامت از شما دفاع می‌کنم و به سود شما گواهی می‌دهم. آگاه باشید! آنچه از پیش مقرر شده بود، به وقوع پیوست و خواسته‌های گذشته الهی انجام شد، و همانا من با تکیه به وعده‌های الهی و براین روشن او سخن می‌گویم که فرمود: «کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: نترسید و محزون نباشید که بشارت باد بر شما بهشتی که به شما وعده دادند» و همانا شما گفتید: «پروردگار ما خداست». پس از عمل به دستورات قرآن خدا، و در ادامه راهی که فرمان داد، و بر روش درست پرستش بندگان او استقامت داشته باشید و پایدار مانید، و از دستورات خدا سرپیچی نکنید، و در آن بدعت‌گذار مباشید، و از آن منحرف نگردید؛ زیرا خارج شونده‌گان از دستورات الهی در روز قیامت از رحمت خدا دورند. پس مواظب باشید که اخلاق نیکو را در هم نشکنید و به رفتار ناپسند مبدل نسازید. زبان و دل را هماهنگ کنید. مرد باید زبانش را حفظ کند؛ زیرا همانا این زبان سرکش، صاحب خود را به هلاکت می‌اندازد. به خدا سوگند، پرهیزکاری را ندیدم که تقوا برای او سودمند باشد، مگر آن که زبان خویش را حفظ کرده بود».^{۱۰}

در این کلام حضرت، برخی از اصول امنیت فرهنگی - از قبیل توجه به عمل مطابق با اعتقاد صحیح و پرهیز از بیان نابجا یا ناصواب - به شمار آمده است که التزام به آنها موجب برقراری و حفظ امنیت فرهنگی می‌شود.

اگر جامعه‌ای فرهنگ خود را پاس ندارد و در قبال ورزش نسیم هر فرهنگ دیگری، منفعل و متأثر شود، آن جامعه هویت فرهنگی‌اش را به فراموشی خواهد سپرد و به جامعه‌ای بی‌هویت تبدیل خواهد شد. به تعبیر دیگر، تهاجم فرهنگی را می‌توان مهم‌ترین عامل از بین رفتن امنیت فرهنگی دانست. اگر حکومت و مسئولان جامعه به تهاجم فرهنگهای دیگر بی‌توجه باشند، در مدتی کوتاه امنیت فرهنگی جامعه از بین می‌رود و جامعه به جامعه‌ای بی‌فرهنگ یا دارای فرهنگ ضعیف مبدل می‌گردد.

۳) امنیت اجتماعی

همان‌گونه که اعضای خانواده برای در کنار هم بودن، به امنیت نیاز دارند، افراد یک جامعه نیز برای برخورداری از جامعه‌ای

۱۰. همان، خطبه ۱۷۶.





سالم، به امنیت نیاز دارند. عوامل تقویت کننده این امنیت را باید ستود و مورد توجه قرار داد. در مقابل، عوامل مخرب امنیت اجتماعی را باید شناسایی نمود و به سمت کم اثر کردن و در نهایت حذف آنها گام برداشت. امنیت اجتماعی، نخستین گام در حفظ امنیت جامعه و به یک معنا، گسترده ترین نوع امنیت در جامعه است.

امام علی (ع) یکی از ویژگیهای حکومت اسلامی را برقراری امنیت اجتماعی و مبارزه با دشمنان مردم می‌داند^{۱۱} و در جایی می‌فرماید: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت، دنیا و شهرت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دینت را به جایگاه خویش بازگردانیم، و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد»^{۱۲}.

آن حضرت، در جای دیگری، دفاع از مظلومان را برای رسیدن به حقشان از جمله وظایف حکومت می‌دانند و ناکثان را به همین سبب، مورد نکوهش قرار می‌دهند.^{۱۳} ایشان در نامه‌ای به عبدالله بن عباس (د ۶۸ق)، در بیان شیوه‌های برخورد صحیح با مردم، می‌فرمایند: «با مردم آن به نیکی رفتار کن، و گره وحشت را از دلهای آنان بگشای»^{۱۴}.

افراد جامعه باید در تمام ابعاد زندگی اجتماعیشان دارای امنیت باشند. باید در روابط اجتماعی، این زمینه برای مردم به وجود آمده باشد که بدون احساس ترس از اینکه دچار مشکل ناامنی شوند، در این روابط آزادانه و به طور فعال مشارکت داشته باشند. فراهم آوردن چنین امنیتی تا بدان حد مهم است که رعایت تمامی حقوق متقابل میان افراد جامعه با یکدیگر و میان جامعه و دولت در سایه وجود این نوع امنیت معنا می‌یابد. مردم باید با اطمینان به قدرت دولت مبنی بر پشتیبانی از حقوقشان و تکیه بر اهتمام دولت به این امر مهم، با آرامش خاطر به زندگی عادی خود ادامه دهند و هنگامی که حقوقشان رعایت نشد، مطمئن باشند قدرتی وجود دارد که تا رساندن آنان به حقشان، از آنان دفاع خواهد نمود.^{۱۵}

امام علی (ع) روایتی را که بارها از رسول خدا شنیده‌اند، این‌گونه نقل می‌کند: «ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد»^{۱۶}. این

روایت از جمله مشترکات منابع اهل سنت و شیعه است و با اختلاف مختصر در متن حدیث و با همان مضمون از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است.^{۱۷}

واقعیت آن است که امام علی (ع) در تمام امور نسبت به این اصل اساسی وفادار ماند و این اصل در تمام دوره زندگی و به خصوص حکومتشان ظهور و بروز داشت و عمده ترین ایراد دشمنان نیز همین پایبندی به اصل بود.^{۱۸}

از جمله عوامل اثرگذار در تقویت امنیت اجتماعی - که عموم آنها در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر آمده - عبارت است از: ۱. تقوا^{۱۹}. ۲. رعایت عدالت^{۲۰}. ۳. رشد ملکات و فضایل اخلاقی^{۲۱}. ۴. احترام به حقوق دیگران^{۲۲}. ۵. برخورد مناسب با هنجارشکنیها^{۲۳}. ۶. رفع فقر و تنگناهای اقتصادی توده‌های مردم^{۲۴}. ۷. پایبندی به آزادیهای مشروع^{۲۵}. البته از این میان نقش تقوا و تقویت باورهای معنوی جامعه در میان عوامل ایجابی برجسته تر است و از میان عوامل سلبی، برخورد مناسب با هنجارشکنیها.

اسلام به صورت مبنایی با عوامل ناامنی، تجاوز و فساد به مبارزه و مقابله برخاسته، اجازه نمی‌دهد در جامعه، عوامل ناامنی و جنایت رشد کند یا زمینه‌های آن گسترش یابد. همه در این باره مسئولند و البته متولیان حکومت و زعمای قوم، نقشی مهم تر دارند.

یکی از مسائلی که عمیقاً با امنیت اجتماعی مرتبط است، امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. به هر حال، در جامعه ممکن است برخی وظایف خویش را ندانند یا درست به آنها عمل نکنند. عمل آگاهانه به امر به معروف و نهی از منکر کمک مؤثری در این زمینه خواهد داشت.

دید دقیق علوی نسبت به این دو عمل مهم عبادی - اجتماعی در نهج البلاغه نمایان است و از این میان، این کلام حضرت همانند خورشیدی می‌درخشد: «و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است. همانا امر به معروف و نهی از منکر،

۱۷. به عنوان نمونه نک: کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۳، ص ۸۰.

۱۸. نک: پیام امام، ج ۲، ص ۳۹۲.

۱۹. نک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۲۰. نک: همان، خطبه ۱۳۱؛ نامه ۵۳.

۲۱. نک: همان، نامه ۹.

۲۲. نک: همان، خطبه ۲.

۲۳. نک: همان، نامه ۵۳.

۲۴. نک: همان.

۲۵. نک: همان.

۱۱. نک: همان، خطبه ۴۰.

۱۲. همان، خطبه ۱۳۱.

۱۳. نک: همان، خطبه ۱۷۲.

۱۴. همان، نامه ۱۸.

۱۵. نک: قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، صص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۱۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از مقدار روزی می‌کاهند».^{۲۶} برای حفظ امنیت اجتماعی راهایی وجود دارد که در نهج البلاغه به آنها اشاره شده است. در یک جا امام علی (ع) چنین می‌فرماید: «هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه‌های آنان است».^{۲۷} مشخص است که منظور آن بزرگوار، هم‌رنگی بی‌منا و ریاکارانه با مردم نیست، بلکه توجه و احترام گزاردن به اخلاق و رسوم مردم است تا به سبب احترام به ایشان از آنان ترسی نداشته باشد و گزندی از ناحیه‌شان به انسان نرسد.

در جای دیگر آن حضرت «سلام کردن» را مبنایی برای برقراری امنیت اجتماعی برشمرده، می‌فرماید: «خدا ایمان را برای پاک‌سازی دل از شرک ... و سلام کردن را برای امنیت از ترسها ... واجب کرد».^{۲۸} این کلام حکیمانه اشاره دارد به اصل مفهوم «سلام». «سلام» از ریشه «سلم» به معنای اتقیاد، دوری از عیبها و مطمئن کردن شخص مقابل است به اینکه ناراحتی و سختی به او نمی‌رسد.^{۲۹} ابن ابی‌الحدید در این باره می‌نویسد: «بازگرداندن و پاسخ به سلام، آغاز امنیت از ترسهاست؛ زیرا توضیح «سلام علیکم» این است که بین من و شما هیچ جنگی در کار نیست، بلکه سلامت و صلح است».^{۳۰}

یکی دیگر از زمینه‌های ایجاد امنیت در کلام امیرالمؤمنین (ع) چنین است: «ای مردم! آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را سراغ دارد، باید به گفته مردم درباره او گوش ندهد».^{۳۱} ایشان در موضعی دیگر، زمینه ایجاد امنیت را به رفتارهای افراد نیز منتسب فرموده‌اند: «پس مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد».^{۳۲} در نقطه مقابل، انسانها را از اینکه مرتکب اعمالی شوند که متعرض آبرویشان شود، برحذر می‌دارند: «و آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده».^{۳۳}

این، تنها گوشه‌ای بود از مبانی اندیشه علوی درباره امنیت اجتماعی و راههای مهم برقراری آن در جامعه.

۴) امنیت اقتصادی

جوامع بشری برای حفظ حیات خویش لازم است امنیت

اقتصادی داشته باشند. جامعه و مردمی که از نظر اقتصادی ایمن باشند و در فراز و نشیبهای مختلف، بتوانند مستقل از آسیب‌رسانی دیگران به حیات خویش ادامه دهند، جامعه‌ای مستقل در بُعد مادی خواهند بود.

امنیت اقتصادی جامعه با تلاش و باور جمعی شکل می‌گیرد و بدون اینکه مردم بخواهند به استقلال و امنیت اقتصادی دست یابند، محقق نمی‌شود. بشر به طور طبیعی از سر بار بودن بر دوش دیگران و اتکا به زحمت آنان بدون تلاش فردی دوری می‌کند. اگر افراد جامعه به طور طبیعی چنین خصلتی را در خود تقویت نمایند، ثمره تلاش جمعی چیزی نخواهد بود، مگر امنیت اقتصادی. البته عوامل مخرب و مزاحم از این مسیر باید برداشته شوند.

امیرالمؤمنین (ع) به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان چنین می‌نویسد: «همانا پُست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی بر گردن تو است. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی؛ تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی؛ در دست تو اموالی از ثروتهای خدای بزرگ و عزیز است، و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری؛ امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم».^{۳۴}

این توصیه به تمام مسئولان حکومت است تا گامی مهم و اساسی در مسیر امنیت اقتصادی برداشته شود. البته توصیه‌های دیگری نیز از آن حضرت نقل شده که توجه به هر یک، گامی در راستای امنیت سالم اقتصادی است. ایشان به کارگزاران جمع‌آوری مالیات دستور می‌دهند در جمع‌آوری انواع مالیات نظیر زکات و جزیه، رعایت انصاف را در برخورد با مردم داشته باشند و به اموال بیت‌المال دست‌درازی نکنند.^{۳۵}

یکی از نکات مهم در دیدگاه اقتصادی امام علی (ع)، توجه به رابطه امنیت اقتصادی و استقلال اقتصادی است. جامعه اسلامی باید استقلال اقتصادی داشته باشد تا به امنیت اقتصادی دست یابد و جامعه محتاج و وابسته نمی‌تواند به امنیت آرامش‌بخشی برسد که از تعرض دشمنان مصون نگه دارد.^{۳۶} این نکته را نباید از نظر دور داشت که امنیت اقتصادی در تقویت ابعاد دیگری از امنیت، نظیر امنیت مرزی و دفاعی - که در کلام آن حضرت مورد اشاره واقع شده است - تأثیر مستقیمی بر جای می‌گذارد.

توصیه‌های مفصلی نیز در همین باره در عهدنامه معروف به مالک اشتر (د ۳۸ق) آمده است که توجه به مفاد آن می‌تواند

۳۴. همان، نامه ۵.

۳۵. نک: همان، نامه ۵۱.

۳۶. نک: نظام اقتصاد علوی، صص ۳۲۶-۳۳۰.

۲۶. همان، حکمت ۳۷۴.

۲۷. همان، حکمت ۴۰۱.

۲۸. همان، حکمت ۲۵۲.

۲۹. نک: مختار الصحاح، صص ۲۷۹ و ۲۸۰.

۳۰. شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۸۹.

۳۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱.

۳۲. همان، خطبه ۱۶۷.

۳۳. همان، نامه ۶۹.





سیمای جامعه ایمن را از نظر اقتصادی ترسیم کند.

۵) امنیت سیاسی

سخن در مقوله امنیت سیاسی بسیار عمیق و گسترده است. امنیت سیاسی یکی از شقوق امنیت است که بر تمام شئون حکومت و جامعه سایه می‌گستراند. مدیریت و حکومت درونی جامعه انسانی به سه نوع عمده تقسیم می‌گردد: ۱. مدیریت جبری طبیعی محض که در همه جانداران موجود است ۲. مدیریت جبری مخلوط با اصول آرمانی، اخلاقی و انسانی ۳. مدیریت انسانی - الهی که عالی‌ترین و باارزش‌ترین مدیریت است که انسانها می‌توانند در موجودیت خود داشته باشند.^{۳۷} در جامعه‌ای که امنیت سیاسی حاکم است، هر فرد، حزب یا گروهی، خدای متعال را ناظر بر تمام اعمال و رفتار می‌بیند و می‌یابد، آن‌گاه مطابق اصول دینی به حرکت سیاسی دست می‌زند. در این حالت، هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نگران نیست که مورد آسیب حرکت‌های ناجوانمردانه سیاسی دیگران واقع شود. تحرکات سیاسی در چهارچوب مورد پذیرش اسلام انجام می‌شود و تمام نیروها متمرکز در پیمایش مسیر رشد و تعالی جامعه صورت می‌گیرد. رعایت عدالت در تحقق امنیت سیاسی یکی از مهم‌ترین ملاکها و لوازم است.

در بسیاری از بخشهای نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع) غیرمستقیم و در برخی مواضع، به طور مستقیم به مقوله امنیت سیاسی اشاره می‌فرمایند. در یک جا، حاکم اسلامی را پاسبان خدا روی زمین می‌داند^{۳۸} و در جای دیگر، هرگونه خودکامگی را نفی می‌فرماید: «پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید، و چنان که از آدمهای خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید، و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید، و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در بی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود»^{۳۹}.

در نقطه مقابل، در جامعه‌ای که از امنیت سیاسی عاری است هرکس برای تخریب دیگران گام برمی‌دارد تا خود به اهدافش برسد. در این حالت، هدف وسیله را توجیه می‌کند و افراد سعی می‌کنند به هر وسیله‌ای که می‌شود خود را بهتر از دیگران جلوه دهند؛ رقبا را از صحنه خارج سازند؛ منافع خود را محقق کنند؛ و سرانجام خود را به پیروزی سیاسی برسانند.

حاکم اسلامی همه مردم را ناموس حکومت می‌داند و حتی غیرمسلمانانی را که تحت حکومت اسلامی هستند، عزیز می‌شمارد. وقتی خبر دستبرد زدن لشکر شامیان به خانه زن

مسلمان و غیرمسلمان و غارت خلخال، دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره‌های آنان به حضرت می‌رسد، می‌فرماید: «اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است»^{۴۰}.

یکی از نکات مهم در موضوع امنیت سیاسی، مقوله اطلاعات چه در بعد تخصصی و چه در بعد عمومی است. اطلاعات به معنای رشد آگاهیهای عمومی و پیشرفت علمی، از ابزار مهم در راه تأمین و برقراری امنیت ملی است که از نقش آن نباید غافل شد. چنانچه ملت یا حکومتی از دستگاه اطلاعاتی کارآمد، موفق و مردمی برخوردار باشد، می‌تواند بسیاری از توطئه‌ها، تهدیدها و بحرانها را پیشگیری نماید و اجازه ندهد در اثر نفوذ و وسوسه دشمنان، اعتماد عمومی سلب گردد یا جامعه دچار ناپسامانی و آشفتگی شود یا راه برای نفوذ و توطئه دشمنان هموار گردد. چنانچه حصارهای اطلاعاتی و امنیتی یک ملت و حکومت ضربه بخورد، راه برای دشمنان وحدت و استقلال جامعه باز می‌شود و نیروهای فتنه‌گر می‌توانند با جوسازی و تشنج‌آفرینی، بستر را برای اهداف خود و سلطه‌یابی شیطانی آماده سازند.

امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «شخص عاقل با چهار خصلت شناخته می‌شود: حزم و دوراندیشی در کارها، پیگیری اوضاع و امور، کم فریب خوردن و مغرور نشدن، و حفظ و صیانت اسرار»^{۴۱}. همچنین می‌فرماید: «هرکس به موقع خود را از حیل‌های دشمن حفظ نکند، تأسف او در هنگام تاخت و تاز دشمن نفعی نخواهد داشت»^{۴۲}. علاوه بر آن در جایی دیگر می‌فرماید: «هرکس از هوشیاری بهره‌ای نداشته باشد، نگهبانان فایده‌ای به حال او نخواهند داشت»^{۴۳}.

این، اصول مهم امنیت سیاسی از دید نهج البلاغه بود که شرح آن بسیار گسترده و فراوان است و در این مختصر نمی‌گنجد. شرح گسترده‌ای از مسائل مرتبط با امنیت سیاسی در خطبه ۱۹۲ (معروف به خطبه قاصعه) و نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) آمده است.

در اینجا مناسب است به موضوع آزادی و ارتباط آن با مقوله امنیت سیاسی پرداخته شود. آزادی در فرهنگ اسلامی، ارزشی شناخته شده و معتبر است که منشأ رشد، پویایی، اقتدار و زمینه‌ساز شکوفایی استعدادهاست. آزادی در فرهنگ اسلامی با بی‌بند و باری و بی‌قانونی متفاوت است. اصل آزادی یعنی بندگی خدا و رهایی از بندگی دیگران. البته این رهایی به معنای قانون‌شکنی، تجاوز به حقوق دیگران یا اقدام به کارهای

۴۰. همان، خطبه ۲۷.

۴۱. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۸۶۳.

۴۲. همان، ج ۲، ص ۷۰۱.

۴۳. همان، ج ۲، ص ۷۰۲.

۳۷. نک: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۹، صص ۲۵۲ و ۲۵۳.

۳۸. نک: نهج البلاغه، حکمت ۳۳۲.

۳۹. همان، خطبه ۲۱۶.

خودسرانه نیست، بلکه انسان آزاد از منظر دین به حقوق دیگران توجه دارد و در چهارچوب قانون و حفظ شریعت، امنیت برقرار می‌شود. امنیت در پرتو آزادی و در حکومت مبتنی بر عدل ممکن است.

امنیت افراد در حکومت و آزادی توأم با امنیت با اِبتِنای بر تقوا و عدالت حاکم و کارگزاران حکومت اسلامی، در چهارچوب اصولی معنا پیدا می‌کند که مهم‌ترین آنها از دیدگاه آن حضرت عبارتند از: ۱. رعایت کامل حقوق متقابل والی و مردم^{۴۴}. ۲. مسئولیت متقابل والی و مردم و نظارت متقابل آنان^{۴۵}. ۳. مشورت‌پذیری^{۴۶}. ۴. شایسته‌سالاری^{۴۷}. ۵. نصیحت پیشوایان^{۴۸}. ۶. تعاون بر تقوا و برّ و عدم تعاون بر گناه و تجاوز^{۴۹}. ۷. کرامت انسانها^{۵۰}. ۸. امر به معروف و نهی از منکر^{۵۱}.

۶) امنیت قضایی

قضاوت از مرتبه‌ای رفیع در نظام اسلامی برخوردار است. در هر حکومتی ولو حکومت کفر، قضاوت عادلانه و حرکت براساس عدالت الزامی است. حکومت و جامعه‌ای که «قضاوت به حق» در آن نهادینه نشده باشد، در معرض فساد و ناامنی در تمام شئون خواهد بود.

اسلام بر استقلال و امنیت قضایی مردم بسیار تأکید می‌کند و عوامل مختلفی را در این مسئله مورد توجه قرار می‌دهد. در برقراری و حفظ امنیت قضایی لازم است به دو جنبه اصلی توجه شود: نخست، وجود قوانین و نظام صحیح قضایی و دیگری، استفاده از قاضیان کارآمد و پایبند به اصول و ارزشها.

نظام و قوانین صحیح قضایی، فضای عمومی را برای توجه مردم به این نکته جلب می‌کند که زمینه استیفای حقوق از ستمکاران و رعایت عدالت فراهم شده است و می‌تواند با خیالی آسوده و راحت در پی دریافت حقوق خویش باشند. قوانین قضایی اسلام صحیح و کامل‌ترین قوانین است و بر همین اساس خدای متعال، رسولش را به عمل به آن امر می‌کند: «فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ»^{۵۲} «پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنان حکم کن و از هوی و هوسهایشان پیروی نکن».

اما این جنبه کافی نیست، بلکه باید قاضیان، افرادی شایسته و

متعهد به ارزشها باشند و روال قضاوتشان بر پایه عدالت استوار باشد تا مسیر برقراری امنیت همه‌جانبه به طور صحیح طی شود. اگر در بهترین و شایسته‌ترین نظام قضایی جهان، یعنی نظامی که کاملاً بر قوانین قضایی اسلام پایه‌ریزی شده، قاضی به حق حکم نکند؛ رشوه‌خوار باشد؛ بدون دقت کافی در مبانی حکم و موضوع قضاوت کند؛ تحت تأثیر یکی از طرفین نزاع قرار گیرد؛ و نظایر اینها، امنیت قضایی به وجود نمی‌آید. یکی از برجستگیهای پیامبر اکرم (ص) نزد امیرالمؤمنین (ع) این است که سخنان آن حضرت (ص) روشن‌گر حق و باطل، و حکم و قضاوت ایشان، عادلانه است.^{۵۳}

از منظر امام علی (ع)، بهترین بندگان خدا، قضاوت‌کننده‌ترین ایشان به حق است که بی‌هیچ پروایی، تنها خدا را در قضاوت در نظر گیرد^{۵۴} و در مقابل، بدترین قاضیان را کسانی می‌دانند که احکام صادره از ناحیه ایشان از روی ستمکاری باشد.^{۵۵}

در نامه طولانی امام علی (ع) به مالک اشتر که برای فرمانداری مصر اعزام شده بود، آن حضرت توصیه‌های مفصلی در انتخاب قاضیان برمی‌شمارند. می‌توان شرایط شاغلان به منصب قضاوت را از منظر امام علی (ع) در این نامه چنین استخراج نمود: ۱. از بهترین مردم باشند^{۵۶}. ۲. شرح صدر داشته باشند^{۵۷}. ۳. بر اشتباهات خود پافشاری نکرده، آن را پذیرفته، جبران کنند^{۵۸}. ۴. طمع را از دل خویش ریشه‌کن کرده باشند^{۵۹}. ۵. در امر قضاوت تحقیق کامل انجام دهند و سرسری حکم نکنند^{۶۰}. ۶. اهل احتیاط باشند^{۶۱}. ۷. از مراجعه مکرر شکایان خسته نشوند^{۶۲}. ۸. اهل قاطعیت بوده، در مقابل باطل، سر تسلیم فرود نیاورند^{۶۳}. ۹. عزت نفس داشته باشند و چرب‌زبانی افراد، ایشان را گمراه نسازد^{۶۴}. ۱۰. با طرفین دعوا با گشاده‌روی برخورد کنند^{۶۵}. ۱۱. از قدرتمندان نهراسند و تنها در پی دریافت حقیقت باشند.

آن حضرت در پایان به مالک اشتر می‌فرماید: «پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت‌های او ببندیش، و آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد؛ و از نظر مقام و منزلت، آن قدر او را گرامی بدار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان نزد تو در امان باشند».

۷) امنیت مرزی و دفاعی

این نوع امنیت برای حفظ و حراست جامعه از خطر هاست. جامعه‌ای که مرزهای امن دارد، در جای مناسب از خود دفاع می‌کند، لوازم مناسب دفاع از خود را فراهم می‌کند، همواره متوجه دشمنانش است، آسیبهای خارجی را رصد می‌کند، در تعاملها به توان و استعداد خویش توجه کرده، سعی در افزایش

۵۳. نک: نهج البلاغه، خطبه ۹۴.

۵۴. نک: غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۰۸.

۵۵. نک: همان، ج ۱، ص ۴۴۵.

۴۴. نک: نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۴۵. نک: همان، خطبه ۲۱۶؛ نامه ۵۳.

۴۶. نک: همان، حکمت ۵۴.

۴۷. نک: همان، خطبه ۳.

۴۸. نک: همان، خطبه ۳۴.

۴۹. نک: همان، خطبه ۲۱۶.

۵۰. نک: همان، خطبه ۱۶؛ خطبه ۱۰۳.

۵۱. نک: همان، حکمت ۲۵۲.

۵۲. مائده، ۴۸.





آنها دارد، می‌تواند در برقراری امنیت مرزی و دفاعی خود موفق باشد.

لازم نیست جامعه، جامعه‌ای مسلمان و معتقد به عقاید اسلامی و عامل به احکام آن باشد تا برای امنیت مرزی خود تلاش کند، بلکه حتی جامعه غیرمسلمان نیز در حفظ کیان خویش و برقراری امنیت مرزی کوشش می‌کند و تمامی مساعی‌اش را به کار می‌بندد. در پرتو امنیت مرزی، کیان جامعه حفظ می‌شود و از بلایا به دور و زمینه مساعد و مناسب برای برقراری سایر انواع امنیت فراهم می‌گردد.

آن حضرت می‌فرماید: «پس از ستایش پروردگار؛ جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند، دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد. دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند. به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است».^{۵۶}

دستورهای اسلام در زمینه ایجاد قدرت و دفاع، برای اقتدار حکومت و جامعه اسلامی است. مسلمانان باید به حکم قرآنی «مَا اسْتَضَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^{۵۷} برای عظمت خویش تلاش کنند و همواره برتر از دشمنان قرار گیرند که «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۵۸}

امام علی (ع) سربازان را مرزهای مردم دانسته، می‌فرماید: «پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راههای تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندیهای خود را برطرف سازند».^{۵۹}

فرماندهان لشکر، باید دارای حسن ظن بیشتر به خدا، پاک‌دامن، امین و دست‌پاک باشند؛ زیرا غنایم جنگی به دستشان می‌افتد. ایشان باید نسبت به افراد ضعیف، مهربان و دارای رحمت باشند. البته شجاعت نیز لازمه کارشان است.^{۶۰} زمانی که انسان یا جامعه به دنبال امنیت خویش است، باید با دشمنانی که مخل آن امنیت هستند، مقابله کند و آنها را از بین ببرد یا تأثیر آنها را خنثی نماید. امنیت داشتن بدون ستیز با دشمن ممکن نیست.

۸) امنیت معنوی

برخلاف سایر انواع امنیت که تاکنون از آنها یاد شد، امنیت معنوی مقوله‌ای کاملاً روحانی است که تأثیر آن بر روان و روح انسان است و به همین سبب پس از تمام انواع امنیت و مجزا از آنها مطرح می‌شود. در این نوع امنیت، انسان با پرداختن صحیح به امور معنوی، حصار غیر قابل نفوذی در اطراف خود ایجاد می‌کند که ورود شیاطین و وساوس نفسانی را سخت و در نهایت غیرممکن می‌کند.

امنیت معنوی، روح انسان را بسان دژ مستحکمی می‌سازد که جهت آن به سمت حق تعالی است. با برخورداری از این نوع امنیت، انسان موجودی کمال‌جو و حقیقت‌گرا می‌شود که چیزی در او مؤثر نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: «خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند».^{۶۱}

امنیت معنوی با عوامل متعددی پدید می‌آید که مهم‌ترین آنها طبق آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۶۲} یاد خدای بزرگ است. از این عامل مهم که بگذریم، به چند عامل دیگر از دید امام علی (ع) در نهج البلاغه اشاره می‌شود: ۱. تدین به اسلام^{۶۳} ۲. پایبندی به میثاق با خدا^{۶۴} ۳. جلب رضایت الهی^{۶۵} ۴. جلب آموزش از درگاه خدای عزیز.^{۶۶}

امنیت کامل و در همه عرصه‌ها حتی برای انبیا و اولیای الهی نیز ممکن نیست. امنیت غایی و کامل انسان، در عالم آخرت و بهشت برین الهی است. بهشت محل آرامش و دوری از ناامنیهاست. هرچند حضرت آدم (ع) در بهشت مسکن یافت که زندگی در آن گوارا بود و جایگاه امن و امانی داشت، ولی در این دنیا، انواع مکاره، سختیها و ناامنیات بر وجود انسان وارد شد. آن‌گاه که انسان نیکوکار، از این دنیا به آخرت منتقل شود، بهشت برین جایگاه ایمن اوست و این عاقبت خوش امنیت دائمی را برایش به ارمغان خواهد آورد. «دار الامن»^{۶۷} «باب السلامة» و «دار الاقامة»^{۶۸} از جمله توصیفات آخرت در کلام امام علی (ع) است که بر این عاقبت خوش دلالت دارد.

در تقابل با هریک از انواع امنیت، دشمنانی وجود دارد. «شیطان و وساوس نفسانی» دشمن مشترک تمام انواع امنیت هستند، هرچند بیشترین دشمنی را با امنیت معنوی دارند.

۶۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۶۲. رعد، ۲۸.

۶۳. نک: نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶.

۶۴. نک: همان، خطبه ۱۹۲.

۶۵. نک: همان، خطبه ۱۶۰.

۶۶. نک: همان، حکمت ۸۸.

۶۷. همان، خطبه ۱۸۲.

۶۸. همان، خطبه ۲۲۰.

۵۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۵۷. انفال، ۶۰.

۵۸. آل عمران، ۱۳۹.

۵۹. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶۰. نک: شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، صص ۵۲ و ۵۳.

نتیجه‌گیری

- این جهان با تمام ویژگیهایش، محفوف به مکاره و سختیهاست. هرکس به هر میزان که تلاش کند و با دشمنانش ستیزه کند، نمی‌تواند تمام امنیتها را برای خود فراهم کند. در عین حال، آنچه را از بررسی فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) در حوزه‌های گوناگون امنیت روشن می‌شود، به طور خلاصه می‌توان در زمینه آثار و فواید مستقیم و غیرمستقیم آن چنین برشمرد:
۱. شناخت دقیق و فراگیر دولت و ملت از دشمنان، رقیبان و تهدیدهای داخلی و خارجی.
 ۲. حرکت در مسیر توسعه انسانی، هماهنگ، هدفمند و پایدار با هدف پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف علمی، فنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی.
 ۳. افزایش مشارکت و فعالیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم و حضور مستمر و گسترده آنان در صحنه‌ها و تلاش جهت حضور مردم در عرصه‌های گوناگون سازندگی، عزت، شرف و اقتدار جامعه اسلامی.
 ۴. تقویت مستمر ارزشهای اسلامی و مذهبی و تقویت فرهنگ و هویت خودی و ارزشهای عمیق اسلامی.
 ۵. افزایش توان نظامی برای دفع تهدیدهای نظامی و حفظ تمامیت و استقلال کشور در برابر تهاجم و یورش بیگانگان و

پیش‌بینی، پیشگیری و آینده‌نگری.

۶. صیانت و تقویت همبستگی ملی.

۷. فراگیر کردن اراده جمعی برای افزایش توان و اقتدار جامعه اسلامی و کشور.

۸. تقویت و فعال کردن دیپلماسی نظام اسلامی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت حفظ منافع، مصالح و تقویت پیوندها با کشورهای قابل اعتماد و ایجاد قطبهای قدرتمند.

۹. گسترش فرهنگ مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری در جامعه اسلامی جهت آگاهی نسبت به خطرات، بحرانها و چالشها از یک سو و آمادگی برای مقابله از سوی دیگر و استفاده از ظرفیتهای و توانمندیها جهت رشد، پویایی، تحول و اصلاح ساختارها و روشها، قوانین و مقررات جهت مسئولیت‌پذیری افراد جامعه و نیز نهادها و ارگانهای عمومی و دولتی.

۱۰. توجه به فرهنگ به معنای وسیع و عمیق کلمه در تحولات، پویایی و اقتدار یک ملت و جایگاه آن در حفظ هویت و تداوم جامعه، که می‌تواند زنده، سازنده و پویا، موتور حرکت ملت و رمز وحدت، انسجام، اقتدار و سند عزت، استقلال، روح جمعی، محور امنیت و پایداری در برابر یورش و شیبخون بیگانگان و توطئه‌های دشمنان باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
 ۲. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، محمدعلی انصاری قمی، بی‌تا.
 ۳. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۷م.
 ۴. ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
 ۵. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
 ۶. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفیاض القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
 ۸. سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، دارالهجرة، بی‌تا.
۹. عبدالقادر رازی، محمد بن ابی‌بکر، مختار الصحاح، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۱۰. متقی هندی، علاء‌الدین علی متقی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح و توضیح: صفوة السقا و بکری حیانی، بیروت: مؤسسه الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش.
۱۲. محمدی، حیدر، قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۱۴. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

